



## نقش شوراها در مدیریت شهری

به کوشش: قربانعلی فرجی دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد  
رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری  
شوراها اختصاص یافته است.

### ۱. چکیده

اجرای مناسب قانون شوراها تمرین شایسته‌ای از همکاری‌های جمعی خواهد بود و این امر فضای مناسبی برای کارهای اجرایی و توسعه توان مدیریتی در کشور بوجود می‌آورد. بدون تردید بهترین توانمندی در صورت عدم اجرای صحیح پیامد مطلوبی نخواهد داشت و مضافاً بر اینکه عدم پیش‌بینی برای جلوگیری از انتخابهای نابخردانه در کنار سایر ملاحظات وظایف سنگین تری را بر عهده انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان قرار می‌دهد.

تجارب کشورهای اروپایی از قرون ۱۳-۱۴ میلادی به بعد نشان داده که اگر شهری بصورت مستقل از دولت حاکم اداره شوند نتایج جالب توجهی از خود به جای خواهد گذاشت شورای شهری و اعضای آن در قرون و دهه‌های اخیر چنان در بل شهرها استحاله شده‌اند که جزء لاینفک عناصر شهری به‌شمار می‌روند و در سالهای اخیر بعد از انقلاب در کشور ما که مسئولین کشوری شعار توسعه پایدار را سرلوحه کارهای خود قرار داده‌اند جنب و جوشی در این نیار شهری پدید آورده‌اند که امید می‌رود شهرها در سالهای اخیر با اقداماتی که انجام خواهد شد چهره خودشان را بهتر به انسان‌ها بیاورند و فضای دوست‌داشتنی‌تری را به رخ همه بکشند.

### ۲. مقدمه

اصل بنفتم قانون اساسی می‌گوید طبق دستور قرآن کریم «و امر هو شورای بینهم و شاورهم فی الامر» شورا مجلس شورای اسلامی شورای استان شهرستان، شهر، محل، بخش روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند موارد طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را از این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

انتخاب شوراها برای شهر در حقیقت انتقال و جایجایی قدرت از مدیریت مرکز دولتی به مردمی است شوراهای اسلامی ارکان مهم تصمیم‌گیری در زمینه‌های مختلف عمرانی رفاهی، اجتماعی فرهنگی و اناری کشور خواهد بود. در فندان شوراها وزیر کشور به عنوان قائم مقام شورای شهر پاره‌ای اختیارات شوراها را به اجرا می‌گذاشت و بعضی اختیارات نیز به شورای اقتصاد داده شده بود اما با تشکیل شوراها اختیارات بر این نهاد واگذار می‌شود. قرآن کریم در آیات چندی اهمیت شورا را یادآور شده است (۱) از ۱۴ فصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یک بخش (فصل هفتم) به موضوع

درک جایگاه مشارکتهای مردمی به عنوان شاخصی برای توسعه انسانی بخش از کاستیهای مدل‌های کلاسیک توسعه در جهان سوم را برطرف کرده و انسان را در کانون سیاستها و خطمشی‌های اتخاذ شده قرار داده است ولی در هر حال توسعه انسانی و نقش مشارکتهای مردمی آخرین مرحله شناخته شده در تکامل استراتژیهای توسعه محسوب می‌شود. مشارکت انسانها در فرایند توسعه نظیر؟؟ کمال یافته بوده و آنچه باقی می‌ماند تلاش مداوم برای تحقق انسان محوری در بحثها و سیاستگذاری‌های یا

میدان‌ها، باغ عمومی، احداث تأسیسات فرهنگی و بهداشتی در قلمروی شهری، احداث اماکن ورزشی و صدور پروانه کسب و عوارض وغیره می‌داند. قانون تشکیلات شوراهای اسلامی در ۵۳ ماده و ۲۶ تبصره در سال ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. شوراهای ریشه‌دارترین اصول عرضی و مقررات سنتی و از بارزترین شیوه‌های عقلانی در زندگی جمعی است که قرآن کریم نیز به مسئله شورا و مشورت تأکید داشته است و مؤمنین و مسلمانان را به مشورت فرا می‌خواند. عمده‌ترین نقطه عطفها و تحولات اساسی در تاریخ زندگی انسانها وقتی رخ داده است که انسان از پیوست خود محوری و تکروی کامل و خودکامگی بیرون آمده‌از جمع و فکر جمعی حرکت را آغاز نموده است. (۳)

#### ۴. شوراهای و نیاز به آن در عصر حاضر

یک مورخ اروپایی می‌گوید: «هر ملتی که تاریخ خود را فراموش کند، جریمه او تنها همین کافی است که باید بسیاری از تجربه‌های تاریخی را دوباره تکرار کند و مجازاتش همین پس که ناچار است بسیاری از آزموده‌ها را از نو بیازماید، زیرا به ز تجربه، آموزگار نیست. سالهاست قانون کهنه شوراهای در میان صفححات کتابهای قانون خاک می‌خورد و این طرح با وجود اثبات نقش مؤثر مردم در مشارکت مستقیم و فعالانه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه، گاه با قدرت مطرح شده و گاه نیز خاموش و بی‌صدا به فراموشی سپرده شده است.

اگر در عمران شهری تفکیک قوایی بوجود آید، در این صورت تصمیم‌گیران شهر «مردم» یعنی در شورای شهر، خواهند بود، مجریان شهر نیز منتخب مردم خواهند بود و نظارت کنندگان نیز «مردم» خواهند شد. مروری بر تجربه کار و فعالیت انجمن‌های ملی که یکی از دست‌آورد‌های متریقی انقلاب مشروطیت بود و به عنوان شوراهای مردمی برای حفظ آزادی و حکومت قانون بر پا شده بود، ما را به اهمیت نقش تاریخی آنها واقف می‌سازد. عملکرد این شوراهای مردمی که تشکیل آنها در تاریخ معاصر میهنمان یک سنت انقلابی به شمار می‌رود نشان داد اگر کار مردم به دست خود مردم سپرده شود چه نتایج مفیدی به دست می‌آید. مردم موقعی که احساس کنند دارای شخصیت اجتماعی هستند و با شرکت در تعیین سرنوشت خود چه مسئولیت بزرگی را به عهده گرفته‌اند با شور و شوق فراوانی در فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی شرکت می‌کنند و عملاً تجربه اداره امور جامعه را از طریق مشارکت در همین شوراهای به دست می‌آورند و با دلسوزی بیشتر به صورت کدخدا منشی حل و

قبول این واقعیت که کار مردم را باید به دست مردم سپرد باید در انتظار حضور چشمگیر مردم در اداره شهرها و روستاها و تصمیم‌گیری جدی آنان در امور مربوط به خودشان بود در چنین شرایطی است که مردم مبادی مشارکت را بهتر تجربه می‌کنند و بتدریج نقش و جایگاه واقعی خود را خواهند یافت. (۲)

#### ۳. فلسفه وجودی شوراهای

از قرن یازدهم تا چهاردهم میلادی در اروپا شهرها تا حدود زیادی از دولتها مستقل شده و انجمنهایی برای اداره امور داخلی آنها بوجود آمد. که کم‌اداره امور شهرها بر مبنای عدم تمرکز شکل گرفت و در این اواخر در بیشتر کشورهای ادارت عام‌المنفعه و استان آن که مسئول فناء مردم بودند، و مؤسسات تابعه دولت محسوب می‌شدند تعطیل و یا وظایفشان محدود گشت و در این زمان دولتها که بر طریق تمرکز نمی‌توانستند کلیه امور را حل و فصل کنند حیطة اقتدار خود را به قسمت‌هایی تقسیم کردند و از سازمانهای محلی هم به عنوان وسیله‌ای برای انجام پاره‌ای از نظرات و اهداف خود استفاده کردند بدین ترتیب شهرداریها از جمله سازمانهای محلی غیر متمرکز در محدوده شهرها بودند که برای رفع آن دسته از نیازهای عمرانی و رفاهی مردم شهر بوجود آمدند هدف شهرداریها اداره امور محل مشارکت مردم محل بوده و دخالت دولت در امور محلی را محدود می‌ساخت. در واقع شهرداریها از طرفی مسئول انجام قسمتی از نیازمندیهای محلی بودند و از طرف دیگر به عنوان کارشناس مسئولیت راهنمایی امور اجتماعی شهر را به عهده داشتند مسئولین مردم را اطمینان مردم سمت مشاوره و نمایندگی دولت در امور رفاهی محلی را به عهده گرفتند. در اکثر کشورهای جهان مسئله خودیاری و یا خودگردانی محلی اهمیت خاصی پیدا کرده و بسیاری از امور محلی به صورت خودگردانی محلی اداره می‌شوند خودگردانی محلی از طریق شهرداریها و خودگردانی منطقه‌ای از طریق انجمن‌های شهر اجرا می‌شود. در سال ۱۹۵۹ سازمان ملل متحد تحقیقی در باره طبقه‌بندی تجمعات و تعاریف شهر و ده در ۵۲ کشور انجام داده که در سرشماری عمومی این ممالک غالباً تعریف شهر به دقت و تفصیل عرضه شده در حالی که روستا را به درستی تعریف نکردند. آنچه را در قلمرو امروزی در حقیقت بعد از انقلاب مشروطیت بنیان‌گذاری شده است اولین قانون شهرداری به عنوان بلدیة در سال ۱۲۸۶ خورشیدی در ۵ فصل و ۱۰۸ ماده تدوین شد. مقصود اصلی بلدیة حفظ منافع شهر و ایفای جوامع شهر نشین‌ها بود. قانون وظایف شهرداری را اعم از ایجاد خیابانها، کوچه‌ها،

شوراها بیش از آنکه باعث عدم تمرکز باشند جزء مقولهٔ دموکراسی می‌باشند که مردم را در تعیین سرنوشت و مقررات اقتصادی و اجتماعی خود سهیم سازد. این تبلور و توسعه زمینهٔ دموکراسی در کشور، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری واقعی شوراهای اسلامی بارزترین جلوه و نشانهٔ مردمگرایی در ادارهٔ امور کشورند که نتایج ملموس آن دموکراسی را در شهرها و روستاها و حتی محلات بسط و گسترش می‌دهد و از این طریق مردم دست‌اندرکار نزدیک‌ترین امور اجرایی خویش می‌شوند.

اجرای قانون شوراهای از آن رو اهمیت دارد که در واقع یک تحول کیفی در مدیریت کشور است. مدیریتی که در طول تاریخ در کشور ما به صورت متمرکز و از پایتخت اعمال می‌شده است. بارزترین کارکرد قانون شوراهای نزدیکتر کردن هر چه بیشتر مردم با دولت است و همین مسأله در حکم ضمانتی برای اجرای موفق این قانون شمرده می‌شود. با تحقق قانون شوراهای مردم بیش از پیش حضور خود را در ادارهٔ شهر حس خواهند کرد زیرا عمده‌ترین کار شوراهای انتخاب شهردار و تصویب بودجه شهرداری و اختصاص آن به امور مورد نیاز خواهد بود که این کار همانند کار مجلس در همهٔ کشور است و این یعنی مشارکت و دخالت واقعی مردم در امور کشور. اجرای قانون شوراهای و تحقق شوراهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی دو نتیجهٔ مهم خواهد داشت. یعنی به عامل میان جامعهٔ مدین و دولت کمک می‌کند و مانع این دو نهاد می‌شود تعامل به این معنا که از یک طرف دولت به وظیفه‌ای که برای مدت ۱۹ سال پس از تصویب قانون اساسی محقق مانده می‌پردازد و از طرفی خود فرآیند انتخابات شوراهای به سازمان‌یابی لایه‌های اجتماعی کمک می‌کند و این همان چیزی است که جامعه در وضع کنونی بدان نیاز دارد. در حال حاضر مسائل بسیار مهمی که ناشی از مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی آموزش و بهداشتی است در درون فضاهای متفاوت بویژه شهرها روی می‌دهد که مردم با وجود اعتراضها و گلایه‌های متعدد نتوانسته‌اند به نتیجه مطلوب برسند. مشکلات متعدد، بالا بودن نرخ خدمات و رشد فزاینده و فاقد کنترل آنها مردم را حداقل در مواردی خاص به چاره‌جویی ترغیب کرده است. اکنون که شوراهای در حال شکل‌گیری است. در جامعه این تلقی وجود دارد که با اجرای قانون شوراهای دولت و مردم با هم مشارکت خواهند داشت که این تلقی محافظه‌کارانه و غیر دقیق است. زیرا تشکیل شوراهای بالاتر از مشارکت بوده و در واقع انتقال مسئولیت به مردم است و شوراهای ادارهٔ امور محلی را در شهر و روستا به مردم منتقل می‌کنند. مردم باید

فصل می‌کنند و در واقع جامعه را از آن خوددانسته و برای پیشرفت و ترقی زاد و بومشان تمام نیرو را به کار می‌گیرند. این واقعیت در بیش از ۹۰ سال پیش در انقلاب مشروطیت تجربه شد و اثرات سودمندی به بار آورد. با توجه به سابقهٔ فتووالیسم در کشور هنوز پاره‌ای از اخلاقیات فتووالی در بخش‌هایی از نقاط کشور از رژیم گذشته به جا مانده است و مردم هنوز نتوانسته‌اند به آن استقلال شخصی لازم دست یابند. اکنون دولت با فراهم کردن زمینه‌هایی چون تأسیس شوراهای گام مهمی در جهت مردم سالاری و تحقق جوهره جمهوری در نظام جمهوری اسلامی است و می‌تواند در رفع شکاف دولت و ملت که همواره در تاریخ معاصر منشأ پیدایش بحرانهای سخت بوده، مؤثر باشد. با انتخاب شوراهای بسیاری از مشکلات به دلیل نظارت مردم از بین می‌رود، مردم خود را مسئول آنچه که هست می‌بینند. سطح توقعات مردم از دولت کاهش یافته و ظرفیت تحمل جامعه افزایش می‌یابد.

اجرای قانون شوراهای در درجهٔ نخست نیازمند درک اهمیت این مسأله از سوی جامعه است و تشکیل شوراهای ناگزیر با ایجاد نمادهای دیگر جامعه مدنی چون احزاب و ... که زمینه‌ساز مشارکت مردم در سرنوشت خویش است. در ارتباطی تنگاتنگ قرار دارد. اجرای قانون شوراهای و تشکیل شوراهای از سطح روستا تا سطح استان و کشور عملاً باعث ایجاد بستر مناسبی برای آشنایی جامعه با عمل اجتماعی و مشارکت گروهی می‌شود و مردم در جامعه دموکراسی، کار گروهی، عمل اجتماعی و سیاسی مشترک را بهترین خواهند کرد و بتدریج این پدیده به فرهنگ و باور مردم تبدیل خواهد شد. اگر چنین اتفاقی بیفتد قطعاً موانع فرهنگی فراروی توسعه نظام حزبی را از سر راه برداشته ایم. نهادهای مدنی از ساز و کارهای انتقال خواسته‌های عمومی مردم در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی جامعه‌اند و شوراهای از آن رو که نقش مؤثری در مشارکت مستقیم و فعالانه مردم دارند از ابزارهای تحقق جامعه مدنی به شمار می‌روند. فرهنگ شوراهای آزادخواهانه بودن شعر را و استقلال فکری مردم را می‌طلبد تا در تمام نقاط احساس و حس تعیین‌کننده بودن در سرنوشت اقتصادی و اجتماعی خود را داشته باشند و این موضوع با گذشت زمان میسر می‌شود. اجرای قانون شوراهای به منزلهٔ آشنا ساختن مردم با واقعیت‌های مسایل منطقه‌ای و خارج کردن آن از فضای رویای ذهنی است که برای اکثر افراد جامعه وجود دارد تشکیل شوراهای می‌تواند این ذهنیت را که دولت می‌تواند با یک تصمیم، بخشنامه، قانون و ... مشکلات را حل کند تغییر می‌دهد.

انسان بیشتر می‌کند و به نقش‌ها و واکنش‌های بین انسانها در فضا نوعی دینامیزم و پویایی می‌بخشد.

انتخابات شوراهای نیازمند زمینه‌سازیهایی و مقدماتی است که برخلاف تصور حتی فراتر از تمهیدات انتخاباتی رئیس‌جمهوری یا نمایندگان مجلس است. چون بدون نظام جمهوری اسلامی ایران و وجود بحرانهای مختلف در طول سالهای پس از انقلاب، از جمله حوادث آغاز انقلاب، جنگ تحمیلی و ضرورت تمرکز در تصمیم‌گیری در بازسازی، در مجموع باعث شدند به نقش شوراهای مشارکت مردم کمتر توجه شود. تا سال ۶۷ مسأله جنگ و همچنین نگرانی از وحدت کلی مردم، موانع عمده تحقق این قانون بودند پس از جنگ مانعی جز تمایل نداشتن دولت در اجرای این قانون نیز بر سر راه نبوده است که آن را یا غیر عملی و یا به مصلحت نمی‌دانست، تا اینکه در دولت پیشین لایحه شوراهای در حد روستا، دهستان و شهر در مجلس تصویب شد. اکنون با توجه به زمینه‌های اجتماعی لازم و آمادگی مردم، شرعاً و عقلاً هیچگونه مانعی در این کار دیده نمی‌شود. بر اساس اصل یکصدم قانون اساسی هدف از تشکیل شوراهای پیشبرد امور مردم از طریق همکاری آنان و نظارت بر چگونگی عملکرد مسئولان اجرایی از طریق شوراهاست. بنابراین وظیفه شوراهای اسلامی ناظر بر دو جنبه همکاری، مشارکت و جنبه نظارتی است. حکومت قانون و تأکید بر مشارکت مردمی در تمام ابعاد زندگی اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین برنامه دولت جدید چیزی نیست جز برداشتی از روح قانون اساسی کشور که در فضای انقلابی، سالهای پیروزی انقلاب با نکیه بر نقش اصلی مردم در هدایت، حمایت و نظارت بر حکومت منتخب خود تهیه شده است. مطابق قانون، تا پایان سال جاری، افرادی با حداقل ۲۵ سال سن از میان مردم و به انتخاب مردم به عنوان اعضای شورای اسلامی برگزیده می‌شوند تا در یک دوره چهار ساله سرپرستی امور را بر عهده بگیرند. گستردگی و بسی‌تجربگی در این انتخابات قطعاً مشکل‌آفرین است ولی مشکلات هیچ کاری هر چند بزرگ نمی‌تواند مانعی برای اجرای آن باشد. اگر دولت و ملت به مشکلات سر راه انتخابات شوراهای توجه نکنند و تصور کنند بدون هرگونه شکلی این انتخابات صورت می‌گیرد، در این صورت غفلت از مشکلات خود بر مشکلاتی می‌افزاید. تشکیل شوراهای در دنیا امر تجربه شده‌ای است و ما نیز آنقدرها مشکل نخواهیم داشت اما لازم است گروههای کاری در دولت و مجلس مأمور شوند و مسئولیت‌ها و ارتباط شوراهای مرکز را به شکل آیین‌نامه در بیاورند تا نحوه هماهنگی محلی و ملی

توجه داشته باشند که با انتخاب خود، مسئولیت می‌پذیرند و خوب و بد تصمیم‌گیری آنان مستقیماً با زندگی روزمره‌شان ارتباط دارد و اجرای قانون شوراهای مقدمه‌ای برای رسیدن به بلوغ اجتماعی و سیاسی است. زیرا کار مردم به وسیله خود مردم انجام می‌گیرد و دولت در موارد لزوم اقدام می‌کند و نقش هماهنگ کننده، تنظیم کننده و نظارتی دارد. در این فضا اصل بر تصمیم‌گیری و اداره از سوی مردم بوده و اداره شهر و یا یک روستا بر مانند اداره زندگی فردی آنان خواهد بود. نبود شوراهای نه تنها باعث توزیع غیر منطقی مسئولیتها و در نتیجه افزایش کاغذبازی می‌شود، بلکه دخالت سازمانهای مختلف و مسئولان، استان، شهرستان و حتی نمایندگان را در اداره شهر به دنبال می‌آورد. پیشینه شوراهای اسلامی به ابتدای انقلاب اسلامی و تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی و مطالبی که در قانون تحت عنوان شوراهای اسلامی کشور آمده است، مربوط می‌شود. در فصل هفتم قانون اساسی تصریح شده است که شوراهای از قبیل مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شورای شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. در مجلس دوره اول بعد از انقلاب و در جهت اجرای اصول قانون اساسی قانونی به تصویب رسید. بر این اساس در مجلس دوره اول قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور در سال ۶۱ تصویب شد پس قانونی هم در مورد انتخابات شوراهای اسلامی کشوری بطور جداگانه تصویب شده و در مورد مرجع نظارت بر این انتخابات و تضمین صحت و سلامت آن نیز قانونی به تصویب رسید. در دوره چهارم مجلس لایحه تشکیلات شوراهای اسلامی از طرف دولت به مجلس تقدیم شد که در این میان لایحه شوراهای سطوح پایین مثل شورای روستا و شهر پیش‌بینی شده بود و در مجلس نیز دهستان و شهرک به آن اضافه شد اما شورای سطوح بالا مثل شورای شهرستان، استان و شورای عالی استان در این قانون تعیین نشد اگر انتخابات رئیس‌جمهوری و نمایندگان مجلس، نشانگر تحقق این اراده در سطح کلان جامعه است. تشکیل شورای اسلامی تحقق این اراده را در سطح محدودتری میسر می‌سازد. دایره‌ای که هر چه قدر کوچکتر می‌شود قدرت شرکت کنندگان و نیز هم‌آنان را در انتخاب افزایش می‌دهد. (۴)

آلفرد شوماخر در کتاب کوچک زیباست مقایسه‌های زندگی کوچک را انسانی‌تر، زیننده طبیعت انسان، ایده‌آل برای رشد ناحیه کوچک معرفی می‌کند چه بسا شوراهای نیز که در مقیاس محلی (Local) انتخاب می‌شوند حس همکاری و تعاون را در فضاهای

بنابراین شوراهای در واقع محل هم‌افزایی توان و نیروهای است که از طریق تلاقی اندیشه‌ها به کشف و طراحی راه‌حلهای مهم در اصلاح و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی محلیت مفید واقع می‌گردد. پس اگر امروز هر شهروندی نتواند با رضایت قلبی و با احساس امنیت در تعیین سرنوشت خود احساس آزادی کند و هم‌منظور بودن منافع جامعه انطباق لازم را ایجاد ننماید مطمئناً آرام آرام منجر به ناکامیهای درونی افراد می‌گردد. و این نگرانیها و ناکامیها روز به روز تشدید شده و منجر به عواقب ناگوار و بسیار خطرناکی می‌شوند. همانظوری که رئیس جمهوری در مراسم افتتاحیه فرستاد تلویزیونی مطرح کردن «اگر نگذاریم پرسشها مطرح گردند، بلافاصله اندیشه‌ها زیرزمینی می‌گردند و اندیشه‌ای که زیرزمینی شد به صورت انفجارهای اجتماعی بروز و ظهور می‌کند» (۶)

#### ۵. حدود وظایف و اختیارات شوراهای

اگر ما بهره‌مند از «جامعه مدنی» باشیم و «شهروند» مایه معنای درست کلمه و با تمام «حقوق مدنی» مترتب بر هر «شهروند» و فقط در فرهنگ «من یاری» و من اهنگی اما با نام «همیاری» و «هماهنگی» تفسیر نشود مطمئناً بغیر مشکلات هم در مسیر درستی حل می‌شود این شهروند نباید فقط در «پرداخت» مشارکت کند بلکه در سیاستگذاری و نظارت هم باید مشارکت داشته باشد به همین دلیل است که وجود شوراهای «شورای شهر و ...» در جامعه که از آن سخن می‌گوییم لازم و ضروری است در واقع عرصه حضور فعال افراد، گروهها و نهادها و رقابت در راستای جلب نظر اهالی به امکانات و توانمندیهای خود در اداره امور آنهاست و در این میدان سابقه کسانی موفق خواهند شد که قابلیت‌های بیشتری برای تأمین نظرات مردم و جلب مشارکت آنها در اداره امور از خود ارایه دهند. (۷)

#### ۶. نتیجه

می‌دانیم که سیستم از عناصر متعددی تشکیل شده است و ارتباط بین عناصر سیستم کنش و واکنش فضایی را ایجاد می‌کند و نبود یکی از عناصر سیستم اگر باعث نابودی کل سیستم نشود حداقل اختلالی در کارهای سیستم و کارایی آن وارد خواهد کرد بنابراین ما اگر شهر را به عنوان یک سیستم پویا با دینامیزم خاص خود معرفی کنیم شوراهای شهری یکی از اصلی‌ترین، عناصر شهری یا به عنوان شاه‌مهر در شهر به حساب می‌آیند شوراهای شرط لازم برای یک شهر می‌باشند بدون که تمام فعالیت‌های عمرانی - سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی - قومی - از تسایط اجتماعی تحت تأثیر قوانین و تصمیم‌گیری‌های شورای شهری قرار می‌گیرند فضای شهر برای دیگرگویی نیاز به شوراهای سازمان فضایی برای محکم‌تر شدن در شهرها باید شوراهای شهری را به خود بدک بکشند به طور خلاصه باید گفت که چون من و شما بر سر نوشت خود حاکم می‌شویم در نتیجه وقتی تصمیمی می‌گیریم چون برای خودمان است از عمق دل‌مان رضایت خاطر داریم و برای اجرای این تصمیم‌ها از جان هم که شده مایه خواهیم گذاشت آری شوراهای نهادی هستند که مردم بر مردم حکومتشان برجسته‌تر به چشم دیده می‌شود.

#### ۷. منابع

- ۱- ملکی - بهنام، قانون انتخابات شوراهای اسلامی کشور، چاپ اول، ناشر گردآورنده آذر ۱۳۷۷.
- ۲- اسد سنگانی - کریم، شوراهای اسلامی زمینه‌ساز مشارکت شهروند ایرانی روزنامه ایران ۲۷ آذر شماره ۱۱۰۵.
- ۳- معتمدی قومی - حسین، فلسفه وجودی شوراهای روزنامه رسالت شماره ۹۳۷۵۹ دی ۱۳۷۷.
- ۴- منبع شماره ۲.
- ۵- منبع شماره ۲.
- ۶- بزرگری - حیدر، چشم‌انداز انتخابات شوراهای روزنامه همشهری شماره ۱۷۳۶ دی ۱۳۷۷.
- ۷- منبع شماره ۲.
- ۸- مزینی - دکتر منوچهر، مدیریت شهری و روشهای مشکلات و امکانات آن، ناشر وزارت مسکن و شهرسازی سازمان ملی مسکن، چاپ پوپک.
- ۹- منبع شماره ۲.

محض و آن را در شوراهای اعمال کنند. البته در این زمینه لازم است که حرکت را با قانون کنونی آغاز و مرحله به مرحله نقایص کار را در مجلس و دولت رفع و به عنوان یک راه حل اصولی به آن پایبند بود. نباید انتظار داشت که در مراحل اولیه بتوانیم به شوراهای منطقه‌ای برسیم. مردم با این تمرین در طول چند دوره و با امکاناتی که فراهم می‌شود و افت و خیزهای که احتمالاً وجود دارد به تواناییهای لازم دست پیدا خواهند کرد. آموزش شوراهای از طریق رسانه‌ها و آشنایی مردم نسبت به مسئولیتی که می‌پذیرند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و لازم است این آموزش با توجه به فرصت بسیار کم باقیمانده از آن بخوبی استفاده شود. مردم باید افرادی را برای عضویت در شوراهای انتخاب کنند که بتوانند با سعه صدر، همه نیروها، استعدادها و امکانات منطقه را در جهت عمران و آبادانی شهرها و روستاها بسیج کنند. همچنین مردم باید به هر کس که اطمینان دارند و کارایی و توافقی را دیده‌اند رأی بدهند تا به همت آنان، مسائل مختلف شهرها و روستاها بررسی و مرتفع شود. (۵)

قطعا حضور افکار مختلف بخصوص افراد توانمند و با تجربه توانمند و با تجربه در نهاد شوراهای کمک زیادی در توانایی مدیریت کشور در ارائه راه‌حلهای اجتماعی و اقتصادی خواهد کرد و همین طور به تحقق خواسته‌های به حق مردم جامعه عمل می‌پوشاند. اما آنچه که باید در فرایند انتخابات شوراهای مورد توجه قرار گیرد؟؟ و ترکیب آینده این شوراهایست. شوراهای طبق قانون اساسی یک نهاد رسمی و در عین حال تصمیم‌گیرنده در مساله مختلف جامعه جامعه محسوب می‌شود و لازم است ترکیب این نهاد رسمی از حالت سنتی و کدخدای فنی خارج شود و به علایق و تعلقات واقعی مردم مستکی گردد. چنانچه انتخابات شوراهای و انتخاب اعضای آن به صورت یکسویه دارای کنش‌های یابندی و تقسیم‌بندی خودی و غیرخودی بدون در نظر گرفتن مصالح عمومی جامعه قرار بگیرد اگر قرار باشد ترکیب این شوراهای در جامعه اساساً تابع یک جناح میسر شود، به طوری که تابع قدرتهای اقتصادی و دولتی بر نفوذ در بدنه مدیریت کشور قرار گیرد و از این طریق بخواهد وظایف و مسئولیتهای خود را انجام دهد بدون شک جز ایجاد مشکلات و سردرگمی در لایه‌های مختلف جامعه چیزی دیگری عاید شهروندان نخواهد شد چرا که ساختار دستگاههای موجود ما به دلیل مشکلات فراوان و عدم اصلاح نظام اداری کشور از بی‌برنامگی و عدم توانایی در حل مشکلات اجتماعی اداری کشور و اجتماعی اقتصادی به سختی در رنج و مشقت هستند. بنابراین تلاش برای تقسیم‌بندی شوراهای بر اساس جناحی به صلح و صلاح جامعه نیست بلکه خود افتی خواند بود که ممکن است وحدت ملی و اسلامی را بیش از این خدشه‌دار نماید. لذا شایسته نیست از سوی شخص و یا گروهی تدبیری اندیشیده شود که مراکز میثا شوراهای محل تصاحب عده خاصی در جهت منافع شخصی و یا گروهی مورد استفاده ابزاری قرار بگیرد. بلکه باید تلاش کرد تا فرایند انتخابات به نحوی افراد توانمند و منفرد، که غیر از خدمت و اعتلای کشور و بهبود زندگی مردم به چند دیگر نمی‌اندیشند را فعال گرداند. آنچه باید مهم باشد کمک و همکاری در راه حل مشکلات مردم و ملت ایران است و تنها معیار و سنجش در این فرایند، کار و تلاش افراد در چارچوب قانون است. و این نیازمند آزادی در انتخابات شوراهایی است که نمای واقعی همه مردم ایران در سرنوشت خود باشد چرا که آزادی در انتخابات و انتخاب افراد جز آزادیهای مشروع مردم است تا به کسانی که احساس می‌کنند در شوراهای می‌توانند مفید و کارساز باشند رأی دهند.